

پیش گفتار مازیار رازی به انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد

کائوتسکیزم در تقابل با رادیکالیزم

در ایران عقاید کائوتسکیستی توسط اصلاح طلبان به عنوان عقاید «نوپین» در مقابل اقتدارگرایی دولت سرمایه داری؛ در سال های پیش اشاعه یافته است. این عقاید در وضعیتی که نظریات رادیکال مارکسیستی مورد تحریف و سانسور قرار گرفته است؛ نفوذ بسیاری در میان جوانان داشته است. نوشته لنین در مورد انحرافات کائوتسکی مورد سرزنش قرار گرفته است.

اکنون با آغاز گسست از اصلاح طلبی در میان جوانان رادیکال، زمان بررسی و بازنگری جزوه ی ارزنده ی لنین در مورد کائوتسکی فرا رسیده است. برای شناخت عقاید رفرمیستی در درون جنبش کارگری می باید تاریخچه ی این دوران را مورد مرور قرار داد.

در نیمه دوم قرن نوزدهم، جامعه ی آلمان با تغییرات اقتصادی عمده ای مواجه شد. آلمان از یک کشور نسبتاً عقب افتاده و کشاورزی به یکی از مهم ترین قدرت های صنعتی جهان سرمایه داری تبدیل شد. جمعیت آلمان از 35 میلیون نفر در سال 1849 به 65 میلیون در سال 1910 رسید. تولیدات زغال سنگ، فلزات، کشتی سازی، صنایع سنگین و بانک ها در قیاس با سایر کشورهای اروپایی رشد قابل ملاحظه ای کردند. طبقه ی کارگر صنعتی، نیز، در نتیجه، مبارزات متشکل تری علیه نظام سرمایه داری سازمان داد. در چنین وضعیتی، حزب سوسیال دمکرات آلمان (SPD) پا به عرصه حیات گذاشت. این حزب در اواخر قرن 19 به یکی از پرنفوذترین حزب های کارگری اروپا تبدیل شد. برای نمونه، در سال 1914 اعضای

حزب به بیش از 1 میلیون نفر رسید و سندیکاهای کارگری طرف داران آن بیش از 2/5 میلیون عضو داشتند. کارل کائوتسکی یکی از بنیادگذاران اصلی این حزب بود. کائوتسکی در سال 1891 برنامه‌ی نوین حزب سوسیال دموکرات در کنگره ارفورت را نگاشت و ارائه داد. این برنامه جایگزین برنامه گتا شد، برنامه‌ای که در کنفرانس 1875 پذیرفته شده بود. در این کنفرانس که پایه‌ی سوسیال دموکراسی آلمان بنا نهاده شد، طرف داران کارل مارکس و فردیناند لاسال برای ایجاد "حزب کار سوسیالیست متحد آلمان"، اتحاد کردند. بین سال‌های 1878 تا 1890 (بین دو کنفرانس)، سرکوب جنبش کارگری توسط قانون "ضد سوسیالیستی" بیسمارک، خود کمک به پیدایش چنین جنبشی کرد. اما از ابتدا در درون این جنبش دو گرایش فکری پدید آمد: تجدیدنظر طلبی (در مارکسیزم) و "مارکسیزم ارتدکس". اولی به رهبری *دوارد برشتاین* و دومی به رهبری *کارل کائوتسکی* شکل گرفتند. تجدیدنظرطلبان بر این اعتقاد بودند که نظام سرمایه داری، بر خلاف نظریات مارکس، به تدریج در حال غلبه بر تضادهای خود است. در نتیجه سوسیال دموکراسی آلمان باید مبادرت به اصلاحات اجتماعی و نه سرنگونی آن نظام کند.

البته حزب سوسیال دموکرات آلمان از ابتدا آغشته به نظریات روشن فکرائی نظیر لاسال و دورینگ بود. نظریاتی که مارکسیزم را مورد سؤال قرار می دادند. در این حزب کائوتسکی از طرفداران مارکسیزم ارتدکس بود و از اعتبار سیاسی بسیاری نیز برخوردار بود. او سردبیر نشریه تنوریک حزب، "زمان نو" و هم چنین نویسنده‌ی کتاب معتبری تحت عنوان "دکترین کارل مارکس" (خلاصه‌ای از جلد اول سرمایه) بود. این کتاب نهایتاً به 18 زبان مختلف ترجمه شد. اما حتی در این مرحله، مارکسیزم ارتدکس، حداقل یک تفسیر متفاوت و اساسی با مارکسیزم دوره‌ی خود مارکس داشت. این گرایش مفهوم انقلاب اجتماعی (حل تضاد رشد نیروهای مولده و مناسبات تولیدی) در نظریات مارکس، را تغییر داده و با اعتقاداتی نظیر این که تکامل بشریت از طریق "صلح بین المللی" و پیشرفت‌های اقتصادی-اجتماعی ایجاد

می شود، جایگزین کرد. (البته خود کانوتسکی قبل از پیوستن به مارکسیزم، یکی از طرف داران نظریات داروین بوده و تکامل فکری او در فلسفه مدیون کتاب "آنتی دورینگ" انگلس بود). گرچه این نکته در این جا بایستی تأکید شود که کانوتسکی جوان، تحت تأثیر نظریه کارل مارکس در مورد دیکتاتوری پرولتاریا، در سال 1881 بر این اعتقاد بود که:

"نخستین گام انقلاب آتی، انقلابی که هدفش الغاء اختلاف های طبقاتی است. از میان برداشتن دولت بورژوایی است". دومین قدم، "استقرار دولتی نوین به جای آن است... (پس از پیروزی بر بورژوازی و استقرار دولت کارگری) پرولتاریا، به مثابه هیئت حاکم، به حکومتی نیاز دارد که با هر وسیله ای که در اختیار دارد حکومت شوندگان (طبقه بورژوا) را تحت کنترل قرار دهد. همه این مطالب شاید غیردمکراتیک به نظر آید، اما ضرورت، این روش را به ما تحمیل خواهد کرد."

اما، چند سال، بعد مواضع وی در مورد روش اعمال قدرت تغییر کیفی کرد. البته کنگره ارفورت نقطه عطفی بود در تحولات درونی حزب سوسیال دمکرات آلمان، با کنار رفتن قانون "ضدسوسیالیستی" بیسمارک و فراهم آمدن زندگی عادی سیاسی، حزب برنامه ی پر ایراد و انحرافی گوتا (که مارکس در زمان حیات خود شدیداً آن را مورد نقد قرار داده بود) را رها کرد. حزب سوسیال دمکرات آلمان از طریق توافق با برنامه ارفورت در واقع ظاهراً به مارکسیزم روی آورد. بخصوص این که این برنامه همراه با تفسیر آن (کتاب "مبارزه طبقاتی") توسط "پاپ مارکسیزم" (کانوتسکی)، غسل تعمید داده شده بود! برنامه ارفورت در واقع منعکس کننده ی عقاید مارکسیزم ارتدکس بود، به این مفهوم که برخی از نظریات مارکس را با خود حمل می کرد. برای نمونه فصل نخست آن، استوار بر فشرده ای از عقاید مارکس در "مانیفست کمونیست" بود:

"... تکامل اقتصادی جامعه بورژوایی ضرورتاً به نابودی این شکل تولید راه می برد، کارگر را از ابزارش جدا و به پرولتری بدون دارایی تبدیل می کند. ابزار

تولید بیشتر و بیشتر به انحصار معدودی سرمایه دار و زمین دار در می آید... و مالکیت خصوصی به ابزار تولید با کاربرد موثر و تکامل همه جانبه آن در تضادی آشتی ناپذیر قرار گرفته است..."

در نتیجه برنامه، شکل مبارزه ی طبقاتی را نیز تعیین می کند:

"مبارزه طبقه ی کارگر علیه استثمار سرمایه داری ضرورتاً یک مبارزه سیاسی است. طبقه ی کارگر نمی تواند سازمان اقتصادی خود را توسعه دهد و بدون حقوق سیاسی مبارزه اقتصادی خود را پیش ببرد. این طبقه نمی تواند انتقال ابزار تولید به کل جامعه را بدون این که ابتدا قدرت سیاسی را به کف آورد به انجام رساند. هدف حزب سوسیالیست این است که به این مبارزه کارگران وحدت و آگاهی ببخشد تا تنها هدف سترگ خود را مد نظر داشته باشد".

تا این جا، نکات برنامه ای بر اساس نظریات مارکس بنا نهاده شده است. زیرا که مارکس مکرراً در نوشته های خود تأکید کرده است که:

"مبارزه ی طبقه (کارگر) علیه طبقه (بورژوا) یک مبارزه سیاسی است" و "مسئله تسخیر قدرت، بنابر این، به یکی از وظایف عمده ی طبقه کارگر تبدیل شده است"

اما سؤال این است که محتوای این "مبارزه سیاسی" چگونه باید باشد؟ به اعتقاد مارکس "مبارزه سیاسی"، در وهله ی نخست و قبل از هر چیز دیگر، شکستن و نابودی کامل دولت بورژوایی و استقرار دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا، بود. استقرار دولتی مانند کمون پاریس، اما، "مبارزه سیاسی" به زعم کائوتسکی و حزب سوسیال دمکرات آلمان، به طور اخص، به مفهوم مبارزه پارلمانی بود. برای درک این موضع به بخش هایی از نوشته کائوتسکی اشاره می کنیم:

"... طبقه ی کارگر نیز همانند دیگر طبقات می بایستی تلاش کند بر مقامات دولتی اثر بگذارد و آن ها را به اهداف خود متمایل نماید.

سرمایه داران بزرگ می توانند مستقیماً بر حاکمین و قانون گذاران اثر بگذارند ولی کارگران این کار را تنها از طریق فعالیت پارلمانی می توانند انجام دهند... بدین ترتیب طبقه ی کارگر از طریق انتخابات نماینده برای پارلمان می تواند بر مقامات دولتی اثر بگذارد...

بنابر این پرولتاریا هیچ دلیلی ندارد که به فعالیت پارلمانی بی اعتنا باشد، بلکه دلایل کافی در دست دارد تا همه انرژی خود را برای افزایش قدرت پارلمان در رابطه با دیگر حوزه های دولتی به کار گیرد و آن جا که می تواند نمایندگان خود را در پارلمان افزایش دهد."

از نوشته کانوتسکی به خوبی پیداست که حتی در مراحل اولیه فعالیت سیاسی، "مارکسیزم" او با عقاید خود مارکس تفاوت های عمیقی داشت. حتی در این مرحله که هنوز کانوتسکی به عنوان "پاپ مارکسیزم" شناخته شده بود و توسط بلشویک ها از جمله نین تأیید می شد، مواضعی رفرمیستی داشت. در واقع برنامه ی ارفورت، حزب سوسیال دمکرات آلمان را متعهد به کسب قدرت سیاسی کرد، اما هرگز راه و روش تسخیر قدرت را نشان نداد. در سال 1891 بیل، یکی از رهبران رفرمیست حزب، چنین استدلال کرد که:

"جامعه بورژوائی خود با چنان شدتی به سوی انحطاط می رود که صرفاً کافی است در انتظار بمانیم تا خودش متلاشی شود و ما قدرت را به چنگ آوریم."

کانوتسکی نیز در ادامه همین استدلال اعلام کرد که حزب سوسیال دمکرات آلمان:

"یک حزب انقلابی است، اما حزبی برای ساختن انقلاب نیست."

انقلاب اکتبر 1917 در روسیه خلاف این عقاید را نشان داد. دستاوردهای انقلاب اکتبر 1917 در سطح جهانی برای دوره طولانی این عقاید انحرافی را در زیر خاک دفن کرد. اما با فروپاشی شوروی در سطح بین المللی بسیاری از استالینیست های سابق و رفرمیست های نوین دست به دست هم داده و این تفکرات مماشست جو با نظام سرمایه داری را از زیر خاک بیرون کشیدند. برخوردهای اصلاح طلبان در ایران

همراه با رفرمیست‌های اپوزیسیون در سال‌های پیش‌جدا از این پدیده‌نویس در عرصه بین‌المللی نبوده است.

هدف‌گرایشات رادیکال‌جنبش‌کارگری باید دفن مجدد این عقاید باشد. این‌ها تفکرات و نظریاتی هستند که تنها منجر به تقویت نفوذ سرمایه‌داری و استثمار بیشتر کارگران در پهنه بین‌المللی شده و رادیکالیسم در میان جوانان را مسدود می‌کنند.

مهر 1385

منبع: منتخب آثار لنین صفحه 628

بازنویس: اکبر سعیدی

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharzarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: 1385